



آموزش معکوس در راستای یادگیری بهتر و سریعتر

نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: گلستان (حکایت ۵)

مقطع: دبستان پایه: چهارم - پنجم - ششم





حکایت ۵

توانگر زاده ای را دیدم بر سر گور پدر نشسته و با درویش بچه ای مناظره در پیوسته که صندوق تربت پدرم سنگین است و کتابه رنگین و فرش رُخام انداخته و خشت زرین در او ساخته، به گور پدرت چه ماند؟ خشتی دو فراهم آورده و مشتی دو خاک بر او پاشیده؟

درویش پسر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگ های گران بر خود بجنبیده باشد پدر من به بهشت رسیده باشد.

بی شک آسوده تر کند رفتار

خر که کمتر نهند بر وی بار

بر در مرگ همانا که سبکبار آید

مرد درویش که بار ستم فاقه کشید

مردنش زین همه شک نیست که دشوار آید

وان که در دولت و در نعمت و آسانی زیست

بهتر از حال امیری که گرفتار آید

به همه حال اسیری که زبندی برهد

باب هفتم: در تأثیر تربیت





شرح واژگان و دشواری ها

توانگرزاده: فرزند توانگر	درویش بچه: فرزند درویش	مناظره در پیوسته: شروع به گفت و گو کرده
صندوق تربت: صندوقی از جنس سنگ که بالای گور می ساختند و نام و نشان فرد در گذشته و آیات قرآن بر آن می نوشتند.		
کتابه: کتیبه-نوشته بر سر در مساجد و مقبره ها	سنگین: از جنس سنگ	فرش رخام انداخته: از سنگ مرمر فرش شده
خشت زرین: آجر طلا	به گور پدرت چه ماند؟: چه شباهتی به گور پدرت دارد؟	
خشتی دو: دو خشت	مشتی دو خاک: دو مشت خاک	فراهم آورده: روی هم گذاشته
گران: سنگین وزن	بجنیبده باشد: حرکت کند	کند رفتار: راه رود
فاقه: فقر و سختی	دولت: سعادت	زیست: زندگی کرد
دشوار: سختی	بند: زندان	برهد: رها شود



درک مطلب

۱- قبر پدر توانگر زاده و درویش زاده چه تفاوتی با هم داشت؟

۲- به نظر سعدی مرگ کدام یک آسان تر است؟ چرا؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>